

ضمیمه نشریه شماره ۳



ما از نظرات و نقد های مرتبط به مباحث این نشریه استقبال کرده و بنا به درخواست ارسال کننده منتشر خواهیم کرد. مباحث به طور دوره ای طرح و به بحث گذاشته می شوند و در پایان هر دوره عنوان دیگری مطرح می شود. طبق آئین نامه اجرایی ما موظف هستیم کلیه نظرات ارسالی را بدون کم و کاست در تارنما و گاهنامه منتشر کنیم. مطالب خود را به آدرس thenashriye@gmail.com ارسال نمایید. طبیعی است که مسئولیت محتوای مطالب با نویسنده است.

با دقت بخوانیم و با دقت نقد کنیم !!!

بعد از اینکه ما در جمع قدم اول فعالیت خود را رو به عموم شروع کردیم برخی از دوستان به موضوع اهمیت دادند، در رابطه با نوشته های ما اظهار نظر کردند، که بسیار دلگرم کننده است، البته تعداد بسیاری از رفقا از موضوع خبر دارند، اما هنوز در این رابطه سکوت اختیار کردند، نه رد می کنند ، نه تایید می کنند و نه برای بهتر شدن آن نقدی ارایه می دهند، این نگران کننده است، حتی برخی از رفقا بنا به تشخیص رفقای داخل مشخصاً " به همکاری دعوت شده اند، اما متاسفانه این رفقا نیز هیچ عکس العمل مشخصی نشان ندادند، ما فکر می کنیم هنوز زمان زیادی لازم است تا رفقا بتوانند در قالب فردی و یا جریانی خود موضوع را سبک و سنگین نموده و اظهار نظر نمایند.

اینکه از کدام مسیر بهتر می توانیم به هدف نزدیکتر شویم، نیاز به بررسی با شراکت بیشترین افراد داریم. ما فعلاً هدف خود را در این مقطع اعلام کردیم که برای امکان پذیر کردن کسب مطالبات کارگری نیاز مبرم به ایجاد حزب طبقه کارگر داریم، وظیفه خود می دانیم، نه تشکیل حزب، بلکه اقدام به ایجاد بستری کنیم که برای ساخته شدن حزب نیاز به آن داریم و اکنون شروع کردیم که بستر گسترده ای را بسازیم، که در پروسه روند خود هر چه بیشتر رو به گسترش باشد، بتواند تدارک ساخته شدن حزب انقلابی را به حدی از تکامل نیروها بالقوه برسد که آنها را متحول به بالفعل گرداند تا ایجاد حزب مورد نظر ممکن شود، ما مجموعاً نه تنها تجربه ساختن حزب با شکل و شمایل متفاوت را نداریم بلکه تجربه احزاب موجود را نیز نداریم ، بسیاری از ما در روند فعالیت مرکزی در رده های بالای هیچ حزبی نبودیم ، بدون شک ریزه کاریها ، ویژگی ها و خصوصیات لازم است که ما نسبت به آنها نا آگاه و بی تجربه هستیم ، اما هیچ کدام از این ها نمی تواند دلیلی برای فراقکنی و شانه خالی کردن از وظایف باشد، بلکه به نظر می رسد سبک کار اصولی و متناسب با فعلیت کنونی و با توجه به ضعف های که در جهت ایجاد حزب داریم بستر سازی در جهت ممکن شدن شرایط ایجاد حزب اقدام صحیحی است. نا گفته نماند بی تجربه بودن ما نمی تواند دلیلی بر اصولی بودن سازمانهای کنونی باشد، بلکه دلیل محکمی وجود دارد که آنها هیچ کدام سازمان سیاسی که طبقه کارگر لازم دارد نیستند.

در این جهت اصرار داریم با تقاضای مداوم و مستمر از رفقای که اعتقاد دارند راه نجات بشریت انقلاب است و پیروزی انقلاب وابسته به ساخته شدن حزب طبقه کارگر است را دعوت به همکاری نماییم، ما بارها اعلام کردیم که یک جریان یا یک گرایش نمی تواند به تنهایی حزب مورد نظر را بسازد ، بلکه هر کسی ، گرایش و گروهی که اعتقاد به موضوع دارد باید دست یاری طلبانه ما را بگیرد .

ما هیچ زمانی اعلام نکردیم که هر چه ما می گوئیم درست است، اما ادعا داریم آنچه که در دهه های گذشته شروع شدند، و بیشترشان هنوز ادامه دارند، بنا به دلایل عینی و تاریخی جواب گوی نیازهای طبقه کارگر نبوده و نیستند، همچنین اعتقاد داریم مسیری که ما شروع کردیم معلوم نیست که صد در صد به نتیجه برسد ، چرا که ممکن است، در انتخاب راه و روش ، یا تاکتیک ها و یا حتی اصول اشتباه کرده یا اشتباه نکنیم ، یا تجزیه و تحلیل مان از شرایط موجود اشتباه باشد، یا شاید همه این ها درست باشند، ولی نتوانیم دیگر رفقا را بخصوص فعالین داخل را با خود همراه کنیم، در نتیجه موفق نخواهیم بود. اولاً عدم موفقیت ما هیچ سود و پیروزی نصیب جریانات دیگر نخواهد کرد ، دوماً ممکن است عدم موفقیت قدم اول نه تنها از ناتوانی ما بلکه از طریق عدم همکاری ، مخالفت های غیر اصولی دیگر جریانات و رفقا سر چشمه بگیرد. سوماً زبان عدم موفقیت در ایجاد حزب تنها نصیب ما نخواهد بود، بلکه باعث زیان بسیار زیادی علیه طبقه کارگر خواهد شد، و بدون شک به پای تمامی جریانات نوشته خواهد شد، این مسئولیت و پاسخگویی به موضوع از زاویه تاریخی است، بنا براین در پاسخگویی به نیازهای طبقه کارگر شکست یا عدم موفقیت حاصل بی مسئولیتی جریانات و افرادی است، که ادعای دفاع از طبقه کارگری را دارند.

آنچه گفته شد برای بهتر درک کردن، دو مورد زیر است :

هر رفیقی چه به صورت گرایشی و چه بصورت فردی اعتقاد به مبارزه دارد، باید بر مبنای نظراتی که در رابطه با موضوع دارد، وارد مبارزه، مباحثه ، نقد و پیشنهاد شود، در غیر این صورت نمی تواند ادعایش درست باشد. این موضوع چه کمکی به ما در روند بستر سازی برای تشکیل حزب می کند؟ جواب بسیار ساده است ، نقد گفته ها و نوشته های ما، پیشنهادات و نظرات رفقا باعث می گردد، خطا ها، بی تجربگی های ما که می توانند بسیار زیاد و در زوایای مختلف استتار شده باشند، از دید ما به دلیل اینکه در درون حرکت هستیم، پنهان شده باشند، که از طریق نقد و پیشنهادات و نظرات ارایه شده و همکاری های نزدیکتر رفقا، شناخته شده و رفع خواهند شد. دخالت نقد گونه و پیشنهاد دهنده، باعث می گردد، اولاً از مسیر درست کنونی منحرف نشویم، دوماً در صورت وجود انحراف اقدام به تصحیح کنیم .

ما بر عکس جریانات گذشته چهار چوب را کاملاً باز گذاشتیم که هر چه بیشتر امکان دخالت رفقا تامین گردد، به همین دلیل با حرکت های قبلی کاملاً متفاوت است.

اینکه ما اعتقاد داریم شروع کننده های این جریان خود را صاحب موضوع و جریان نمی دانند ، بلکه آن را متعلق به کل طبقه می دانند، که موضوع ایجاد بستر برای ساخته شدن حزب انقلابی طبقه کارگر است ، برای یافتن راه درست و امکان پذیر و ادامه آن بیان نظرات، نقد ها و ... همه ی ما را به سمت هدف راهنمایی می کنند، با توجه به اینکه برخی از رفقا اقدام به نقد و بررسی کرده اند، که

ضمیمه نشریه شماره ۳



ما از نظرات و نقد های مرتبط به مباحث این نشریه استقبال کرده و بنا به درخواست ارسال کننده منتشر خواهیم کرد. مباحث به طور دوره ای طرح و به بحث گذاشته می شوند و در پایان هر دوره عنوان دیگری مطرح می شود. طبق آئین نامه اجرایی ما موظف هستیم کلیه نظرات ارسالی را بدون کم و کاست در تارنما و گاهنامه منتشر کنیم. مطالب خود را به آدرس thenashriye@gmail.com ارسال نمایید. طبیعی است که مسئولیت محتوای مطالب با نویسنده است.

بسیار مسرت بخش است ، اما تا کنون تعداد کمی از رفقا در مورد چنین موضوع سر نوشت سازی دخالت کردند، ما انتظار داریم هرچه بیشتر دخالت گری توسط رفقا صورت به گیرد.

همچنین لازم است رفقای که نقد کردند و یا نقد خواهند کرد توجه کنند :

الف - اینکه زمان با سرعت می گذرد. و طبقه کارگر هر روز بیشتر از قبل دچار زیان می شود. راه بیرون رفت از چنین مشکلی دخالت عملی بیشتر و نقد و بررسی وضعیت از زوایای مختلف است، بنا براین کلیه رفقا و تشکیلات های که ادعای کارگری دارند، باید آستین ها را بالا بزنند و به شکل عملاً پیشرو (نه مثل حالا که در حرف پیشرو ولی در عمل دنباله رو و در انتظار و تابع حرکت های خود به خودی هستند) وارد میدان مبارزه شوند.

ب- همچنین لازم است در حین دخالت های مختلف و همه جانبه در نقد و بررسی دقت بیشتری کرده و از نقد ها و برداشت های اشتباه بکاهیم، تا از یک طرف دچار هدر رفت انرژی و نیرو نشویم، و از طرف دیگر آنچه حاصل نقد و بررسی می شود، ارزش خود را از دست ندهد و به جای کمک در جهت ارتقاء تبدیل به مانع و جبهه گیری های زیان آور نگردد.

یک بار دیگر به نوبه خودم از رفقای که توجه کرده و کم و بیش حرکت جمع قدم اول را نقد و بررسی کردند، تشکر می کنم.

تا آنجائیکه اطلاع دارم سه مورد به دست ما رسیده است و در نقد های فوق موارد بسیار خوبی که ما را کمک می کند حرکت خود را بهتر پیش ببریم وجود دارند، از طرفی به نظرم مشکلاتی نیز در آنها وجود دارد که اگر رفقا بیشتر دقت کنند بار آموزشی و راهنمای نقد شان بیشتر خواهد شد، و صد البته ما و کل طبقه کارگر به نقد های دقیقتر نیاز مبرم داریم ، برای روشنتر شدن موضوع به چند مورد از آنها که به نظرم کمتر رویشان دقت شده است، می پردازم، تا باشد از این پس نقد و بررسی های بهتر و پر ثمر ترکی داشته باشیم ، (به موارد مثبت نمی پردازم و در حد تشکر از آنها می گذرم) :

رفقای حزب رنجبران در سر مقاله شماره اخیر نشریه خود به بررسی حرکت جمع قدم اول پرداختند و ضمن بیان موارد مختلف همکاری عملی در نقاط مشترک را که نیمی از طرح ما است رد کردند، و چنین همکاریها را نیز منوط و مشروط به دست یابی به اشتراکات در تئوری و اصول کردند. به نظر ما این راهی است که چندین دهه همه ی رفقای قبلی و کنونی در جنبش انقلابی ایران و جهان طی کردند و متأسفانه همگی با شکست روبرو شده اند، در حالی که مشروط کردن همکاری در نقاط مشترک به وحدت نظر در اصول و تئوری باعث می شود همگی پاسیو شده و دشمن به راحتی حمله کرده هر روز بخشی از طبقه کارگر و دستاوردهایش را نابود کند، در حالی که برای فعالیت در نقاط مشترک موجود که بسیار زیاد هم هستند، هیچ مانع اصولی سر راه ما وجود ندارد، و حتی همکاری در آن موارد هیچ مشکلی برای هیچ کدام از ما در حوزه تئوری و اصول ایجاد نمی کنند، ما بارها در نوشته های خود از موارد مشترک کنونی اسم بردیم و اعلام کردیم که همکاری در این موارد باعث ایجاد احترام نسبت به یکدیگر و امکان تحمل شنیدن و نقد عمل کرد و گفته ها را در ما بیشتر می کند ، مثلاً "دفاع مشترک از اعتصاب کارگران یک کارخانه و روی هم گذاشتن تسهیلات موجود طبقه کارگر که هر کدام بخشی را در اختیار دارند، یا دفاع از زندانیان کارگری و سیاسی به صورت مشترک یا مخالفت با حکم اعدام و امثال ان یا دفاع و کمک های عملی در ایجاد تشکل های توده ای کارگران و ... هیچ نیازی به اشتراکات یا وحدت تئوریک ندارند، فقط در حدی که در درون صفوف طبقه کارگر باشیم، کافی است، مجموعه همین کارهای کوچک بخش بزرگی از وظایف جنبش انقلابی و در جهت ایجاد همبستگی طبقاتی است، که تنها در درون صف طبقه کارگر بودن وحدت عمل در آن موارد را ممکن می کند، ممکن است رفقا بگویند، خوب همه در این موارد کار می کنند، ما می گوییم درست است، همه کار می کنند، ولی به صورت خرده کاری پیش می برند، و این نه تنها نیاز های طبقه کارگر را بر آورده نمی کند، بلکه خرده کاری ها ضمن هدر دادن تسهیلات بسیار از طبقه کارگر افتراق ، پراکندگی و حتی دشمنی میان صفوف کارگران را دامن می زند، به عنوان نمونه، چون هر کدام از نیروهای داخل نیم نگاهی به نیروهای بیرون دارند، اکثریت وزنه های معروف شده جنبش کارگری اختلافات بیرون را به درون جنبش کارگری منتقل می کنند، و از این رهگذر ضربات جبران ناپذیری به اتحاد و همبستگی جنبش کارگری وارد می شود و متأسفانه هر کدام از فعالین شناخته شده داخل به صورت کپی برابر اصل بیرونی شان مانند بخش های پراکنده جنبش انقلابی خود را اصولی و بقیه را انحراف دانسته و دقیقاً" مانند بیرونی ها حاضر نیستند، یک دقیقه همدیگر را تحمل کرده و ببیند اصلاً" غیر از مورد غلط کیش شخصیتی چه اختلافی دیگری با هم دارند؟

و حتی برای اینکه خود را بیشتر مطرح کنند، همان گونه که بیرونی ها به فکر شکار نیروی جدید هستند، داخلی ها نیز بفکر این هستند، جای نیروهای که دیروز داشتند و امروز از دست دادند را با شکار نیروی جدید پرکنند، اما هر گز این حرکت که طی 10 یا 12 سال ادامه دارد هیچ سودی برای طبقه کارگر نداشت، این طریقه عمل کردن نشان می دهد که هیچ کدام درک واقعی از هم بستگی طبقاتی را ندارند بلکه فکر می کنند هر کسی با آنها نباشد در صف طبقه کارگر قرار ندارد.

در حالی که همکاری عملی ولو در کارهای کوچک ضمن اینکه نیاز به سازماندهی خوب دارد، نتیجه آنها می تواند راه گشای برای اشتراکات بعدی باشد، که اکنون جزء پراکندگی ها هستند، همچنین شرکت در این حرکت های مشترک می تواند زمینه و بستر گسترده را برای قبول و تحمل یکدیگر ایجاد نموده و امکان مباحثات گسترده و نقد و اظهار نظرات گسترده را با شرکت بیشترین جریانات ممکن کند، از طرف دیگر ما بارها اعلام کردیم جمع ما جمعی نیست که تصمیم به ایجاد حزب دارد، بلکه جمع ما فعلاً قصد و

ضمیمه نشریه شماره ۳



ما از نظرات و نقد های مرتبط به مباحث این نشریه استقبال کرده و بنا به درخواست ارسال کننده منتشر خواهیم کرد. مباحث به طور دوره ای طرح و به بحث گذاشته می شوند و در پایان هر دوره عنوان دیگری مطرح می شود. طبق آئین نامه اجرایی ما موظف هستیم کلیه نظرات ارسالی را بدون کم و کاست در تارنما و گاهنامه منتشر کنیم. مطالب خورا به آدرس thenashriye@gmail.com ارسال نمایید. طبیعی است که مسئولیت محتوای مطالب با نویسنده است.

هدف ایجاد بستری را دارد، که تعداد بیشتری از جریانات و افراد بتوانند در آن بسته قرار بگیرند تا امکان ساختن حزب بدست آید، بنابراین در این حد هیچ نیازی نداریم که اول به اشتراکات تئوریک برسیم و بعد برای نقاط مشترک سازماندهی نماییم. در نتیجه می توانیم دست به دست بدهیم تا آنجایی که ممکن است بستر فوق را گسترده تر و با افراد و گروه های شرکت کننده بیشتر پیش ببریم.

رفیق دیگر که در بحث دخالت بسیار ثمر بخشی کرده است رفیق حمید قربانی است که نوشته مرا نقد کرده اند، اولاً می توان گفت 90% نوشته و نقدش مورد قبول من است و بی هیچ پنهان کاری از ایشان صمیمانه متشکرم ولی نیاز به تذکری است، در یک نوشته نمی توان همه موضوعات و اعتقادات را به صورت فاکت آورد، یعنی از یک نوشته کسی، نمی توان به همه ی اعتقادات او دست یافت و اصراری نیست که ما بیاییم قبل از هر نوشته خود اعتقادات خود را به صورت بند به بند و یا مثلاً "اصول تئوریک خود را کامل بیاوریم، و بعد به نوشتن یک موضوع مشخص بپردازیم، بنابراین نوشته را بهتر است بر مبنای موضوع همان نوشته برداشت کرد.

مثلاً من اعتقاد دارم باید پس از پیروزی طبقه کارگر حکومت دیکتاتوری انقلابی کارگران تشکیل شود ولی وقتی در موضوع دیگری نیاز به گفتن این بحث شود ممکن است بگویم دیکتاتوری پرولتاریا چون در این نوشته موضوع اصلی چیز دیگر و موضوع دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا یک توضیح یا یک موضوع جانبی است، نمی شود اعتقاد مرا به موضوع دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا متوجه شد و همانطور که گفتم چون در نوشته مورد نظر این موضوع جانبی است، می تواند نقد را در مورد موضوع اصلی نوشته ضعیف کند. بنابراین اگر می خواهیم اصول اعتقادی کسی را مورد نقد قرار دهیم و ثمر مثبتی از آن بهر است، بهتر است با مطالعه بقیه نوشته های فرد مورد نظر اعتقادات او را به طور کامل به دست آوریم و آن گاه با نقد او یک کمک مهم به او و کل جنبش کرده باشیم، این را نوشتن فقط برای اینکه نقدهای از این به بعد دارای محتوای قویتر باشند.

سومین رفیقی که اقدام به نقد جمع قدم اول کرده است رفیق بهروز فرهیخته است به نظر من اگر ایشان در مورد نقدشان تجدید نظر کنند و با دقت بیشتر ضعف های ما را بنویسند، بسیار مثبت خواهد بود. فکر می کنم ایشان به ماهیت و محتوای نوشته های ما و ارتباط آن با بقیه نوشته ها پیمان هیچ دقت نکرده اند، همین باعث ضعیف دیده شدن نقدشان است. در حالی که ما انتظار داریم نقد رفیقی همچون ایشان چراغ راهنمای ما باشد، اما با دچار شدن به اشتباهاتی ما را از راهنمایی خود محروم کردند. توصیه می کنم یک بار دیگر مطالب و گفته ها و اهداف اعلام شده ی ما را بخوانند و مجدداً اقدام به نقد نمایند. برای راهنمایی بیشتر ایشان و دیگر رفقا به چند مورد اشاره می کنم، با توجه به اشتباهات و برداشتهایی که به خاطر عدم دقت ایشان در خواندن سر مقاله و بقیه نوشته ها شده است، نمی توان گفت چقدر و چه موارد ایشان صحت دارد و حتی متأسفانه کمک چندانی در راهنمایی به حرکت نمی کند. به این دلیل است که از ایشان انتظار داریم مجدداً با مطالعه بیشتر نقد خود را ارائه دهند. برای روشن شدن بحث به موارد زیر اشاره می کنم.

- 1- ما هرگز نگفتیم می خواهیم حزب بسازیم، بلکه گفتیم ما می خواهیم بستر گسترده بسازیم، تا بیشتر افراد در آن شرکت داشته باشند، آنگاه بیشتر افراد اقدام به ایجاد حزب کنند.
 - 2- گفتیم ممکن است، از درون بحث های ما چندین برنامه بیرون بیاید و به کنگره ارائه شود و کنگره تعیین می کند که حزب کدام برنامه را خواهد داشت، نه اینکه یک حزب چند برنامه داشته باشد.
 - 3- ما هرگز ادعا نکردیم رهبران کارگری هستیم.
 - 4- ما تلاش کردیم نظرات خود را به عنوان چهارچوب اعلام نکنیم، تا بشود بستر گسترده را فراهم کرد که این با تمامی حرکت های تا کنون برای ساختن حزب متفاوت است، در حالی که رفیق مان می گوید قبلی ها نیز این کار را کرده اند.
 - 5- ما در بحث های خود در رابطه با موضوع هسته بارها بحث کردیم، ولی متأسفانه رفیق مان توجهی به آنها نداشته است.
 - 6- ما حتی سرمقاله را به عنوان سرمقاله ارائه ندادیم، که مجبور شویم همه اعتقادات خود را بنویسیم، بلکه با توضیحات زیر به عنوان مقدمه بیان کردیم که هیچ چیزی باعث نشود چارچوبی محسوب شده و بسیاری با برخورد به موانع از همکاری سرباز زنند.
- چون رفیق بهروز به این نکات توجه نکرده است، در واقع نوشته اش چندان ارتباطی به موضوع ما پیدا نمی کند، از این جهت است که لازم است ایشان یک بار دیگر با دقت نوشته های ما را مطالعه کرده و مجدداً نقد خود را ارائه نماید.

با خواندن نقد این رفیق متأسفانه یک برداشت در ذهن من جرقه زد که رفقا چقدر به نوشته بی دقت هستند، و به جای اینکه اول کل نوشته و موضوع را کامل هضم کنند سپس به نقد آن بپردازند، در حین خواندن به دنبال نکاتی می گردند که بشود ردش کرد، نه تکمیلش کرد، رفیق بهروز می گوید: "رهبران خود گماشته جنبش کارگری اند" ما هیچ جا خود را رهبر نامیده و هیچ وقت هم رهبری را به صورت فردی اعلام نکردیم، که ("رهبران خود گماشته جنبش کارگری اند") به حساب آورده شویم، بلکه بحث ما رهبر سازمانی است، و به همین دلایل موضوع حزب یا سازمان سیاسی طبقه کارگر و سازمان های توده ای کارگران را مکمل یکدیگر و تنها راه نجات طبقه کارگر و کل بشریت می دانیم، و تقریباً در تمامی نوشته های جمعی یا فردی این موضوع بیان شده است، ولی

ضمیمه نشریه شماره ۳



ما از نظرات و نقد های مرتبط به مباحث این نشریه استقبال کرده و بنا به درخواست ارسال کننده منتشر خواهیم کرد. مباحث به طور دوره ای طرح و به بحث گذاشته می شوند و در پایان هر دوره عنوان دیگری مطرح می شود. طبق آئین نامه اجرایی ما موظف هستیم کلیه نظرات ارسالی را بدون کم و کاست در تارنما و گاهنامه منتشر کنیم. مطالب خود را به آدرس thenashriye@gmail.com ارسال نمایید. طبیعی است که مسئولیت محتوای مطالب با نویسنده است.

متأسفانه رفیق فرهیخته مثل اینکه به این موارد توجه ندارند.

از نظر ما بحران رهبری برای این نیست که "رهبران در بحران رهبری قرار دارند" بلکه چون حزب نیست، بحران رهبری وجود دارد. نوشته رفیق بهروز نشان می دهد، ایشان فکر می کند، رهبری می تواند به شکل رهبران جدا از سازمان نیز رهبری اصولی باشد، در حالی که رهبری جدا از رهبری تشکیلاتی کاملاً به زبان طبقه کارگر است، و تا زمانی که حتی حرکت های که تحت رهبری فرد ها قرار دارد توسط سازمان سیاسی طبقه کارگر هدایت نشود، زبان آور خواهد بود.

جدا از اینکه اعتقاد دارم، سرکوب شدید جمهوری اسلامی دلیل اصلی بحران رهبری نیست، بحران رهبر یکی از عاملین اصلی است، و سرکوب هر قدر هم که باشد در مورد مبارزه سازمان یافته موضوع محوری و مرکزی نیست، بلکه جانبی و حاشیه ای است که به دلیل ضعف سازماندهی به محور اصلی تبدیل می شود. یعنی اگر سازماندهی اصولی باشد سرکوب نمی تواند تمامی هستی جنبش انقلابی را فلج کند، پس عامل اصلی و مرکزی بحران رهبری نداشتن سازماندهی متناسب با شرایط موجود است نه بر عکس، به هر حال تقریباً تمامی فعالین که نمی توانند فعالیت های خود را سازمانی کنند و یا سازمانهایی که نمی خواهند مبارزه کنند و یا توانایی نقد خود را از دست داده اند، با بهانه قرار دادن سرکوب خود را از زحمات و سختی سازماندهی راحت می کنند و پاسیفیزم خود را توجیه می کنند.

ایشان ضمن اینکه برداشت شان در مورد موضوع کمیته های پیگیری و هماهنگی اشتباه است، و در مورد اینکه بالاخره باید از جایی شروع کرد، توضیح اشتباه دارند، و اینکه ما اصلاً نمی گوئیم حزب را باید از جایی شروع کرد، بلکه می گوئیم بستر سازی را باید از جایی شروع کرد، و این هیچ نیازی به چارچوب های محدود ندارد، به دنبال چنین استدلال اشتباهی از گفته های ما می خواهند موضوعی را که وجود ندارد اثبات کنند.

به نظر می رسد رفیق بهروز با گفتن موارد فوق بستر سازی را رد میکند، مثلاً ایشان در نوشته خود برای رد کردن اینکه بالاخره باید از جایی شروع کرد را با عبارت "بالاخره باید کاری کرد" هم ارزش دانسته، می گویند عده ای این استدلال را رد می کردند و می گفتند "به ما بگوئید کار درست چیست، ما می خواهیم به آن درست فکر کنیم و سنجیده عمل نماییم" تجربه بیش از دو دهه نشان داد حق با این آخری ها بوده است"

اولاً ما در جمع قدم اول به هیچ کس نگفته ایم بیایید، به ما بپیوندید که ما حزب شدیم یا می خواهیم بشویم، بلکه می گوئیم بیایید بسازی بسازیم، که در آن بشود با همکاری های گسترده و بحث های همه جانبه و همه گیر با هم، پیدا کنیم که کار درست چیست، و واقعاً اگر هر کسی طبق گفته رفیق فرهیخته دنبال چنین کار درست و فکر کردن و سنجیده عمل کردن باشد، می تواند به این بستر سازی بپیوندد، و راه درست، کار درست و فکر کردن جمعی و سنجیده عمل کردن را به صورت جمعی پیدا کند.

دوم اینکه من شخصاً فکر می کنم، کسانی که در مقابل شعار بالاخره کاری باید کرد در رابطه با حزب کمونیست کارگری یا حزب کمونیست ایران چنین حرفی را زدند، و رفیق فرهیخته فکر می کند، آنها درست می گفتند، سخت در اشتباه است، چون آنها نیز هیچ کاری نکردند، و هیچ کاری نکردن متأسفانه بدتر از آن کاری است که حزب کمونیست ایران یا حزب کمونیست کارگری انجام داد.

متأسفانه رفیق فرهیخته اصلاً و ابداً حرف ما را نقد نمی کنند، حرف های خود را به اسم ما می گوید، بعد نقد می کند.

ما بحران رهبری را محصول نبود حزب می دانیم، و رهبری را سازمانی می دانیم، نه فردی، ولی ایشان می نویسند: "این جریان می خواهد برای "حل بحران رهبری" حزب ایجاد کند یا به عبارت دیگر با قرار دادن رهبران انقلابی مبتلا به بحران در ظرفی به نام "حزب انقلابی" بحران رهبری داخل را حل کند، این اصلاً حرف ما نیست.

در نهایت از رفیق بهروز می خواهم نوشته های ما را مجدداً بخواند و در حل موضوع بستر سازی جهت پیشبرد و تدارک حزب نگاه کند، و اینکه قصد نداریم هیچ چارچوبی را از پیش تعیین نماییم و حتی اصول "7 ماده و 24 ماده" که میان خود تعیین کردیم را نیز در حد پیشنهاد ارایه ندادیم، که مبادا چارچوب محسوب شود.

در همین حال از ایشان و جریان مطبوعش می خواهیم که به بحث ها و همکاریها در نقاط مشترک دست همکاری ما را رد نکنند، و همکاری و شروع مباحثات را به هیچ شرط و شروطی وابسته نکنند.

محمد اشرفی

۱۳۹۳/۸/۸